

مقدمه‌ای بر فارسی یهودی^۱

تامار گیندین^۲

استاد ایران‌شناسی در مرکز علمی شالم در اورشلیم

فارسی یهودی عنوانی برای مجموعه‌ای از گویش‌هایی است که یهودیان ایران بزرگ در مدت‌زمانی بیش از هزار سال برای سخن گفتن و نوشتن به کار برده‌اند. عنوان دیگری که آمونون نصر برای نامیدن این گروه زبانی پیش نهاده "فارسی‌یهود" است.^۳

سیری بر زبان‌های یهودی

زبان‌ها و گویش‌های یهودی بازتاب معاشرت و تماس یهودیان با فرهنگ‌های گوناگون است. آنها می‌کوشیدند زبان‌های خارجی را برای رفع نیازهای زندگی روزمره خویش به کار برند، اما هم‌زمان از زبان عبری نیز به منزله زبانی مقدس بهره می‌بردند. یهودیان طبیعتاً مقداری کلمات و تراجم عبری و آرامی را نیز در زبان گفتاری و محلی خویش وارد می‌کردند. در گذشته، از خط عبری برای نوشتن زبان‌های یهودیان استفاده می‌شد.

Thamar E. Gindin, "Linguistic Perspectives on Judeo-Persian," *Iran Namag*, Volume 1, Number 2 (Summer 2016), 40-51.

تامار گیندین، دانش‌آموخته زبان‌شناسی دانشگاه عبری اورشلیم، استاد ایران‌شناسی در مرکز علمی شالم در اورشلیم است. تخصص ایشان زبان‌های یهودی ایرانی، زبان پارسی یهودی کهن و گویش‌های محلی یهودیان ایران است و با پروژه‌هایی بین‌المللی، از جمله فرهنگ پارسی میانه و پروژه فریدبرگ برای مستندسازی گنیزا، همکاری داشته‌اند. زمینه تدریس ایشان عبارت است از زبان‌های سانسکریت و پارسی میانه و پارسی یهودی کهن و فارسی نو و گویش‌های یهودی و زبان‌شناسی تاریخی ایرانی. کتاب‌های خوب، بد و گیتی: سفری به ایران پیش از اسلام به عبری، تفاسیر پارسی یهودی کتاب حزقیال به انگلیسی و اسرار طومار استر به عبری و انگلیسی از او منتشر شده است.

Thamar E. Gindin <mpdpthmr@gmail.com>

<http://www.iranicaonline.org/articles/judeo-persian-viii-judeo-persian-language/>.

آمونون نصر، پادیوند (لوس آنجلس: مزدا، ۱۹۹۶)، جلد ۱، ۴۶.

ترکیب واژگان Judeo-Persian را در مکتب آمونون نصر به صورت واژه ترکیبی "فارسی‌یهود" و گروهی دیگر به صورت "فارسی یهودی" ترجمه کرده‌اند. برگرفته از دانشنامه ایرانیکا، دسترس پذیر در

در بسیاری از مواقع، زبان یهودیان از زبان اکثریت جامعه متمایز بود و ایشان عموماً صورت کهنه‌ای از زبان را حفظ می‌کردند.

به هر روی، این سه مشخصه کلی برای طبقه‌بندی یک زبان به منزلهٔ زبان یهودیان لازم و کافی نیست، زیرا حضور و گسترهٔ واژگان عبری حتی در گویش‌های گوناگون یک زبان نیز بسیار متغیر است. در برخی مواقع کلمات عبری از راه روابط اجتماعی یا پژوهش‌ها و مطالعات کتب مقدس وارد زبان اکثریت جامعه شده است. غیریهودیان هم غالباً کلمات عبری را در متون گوناگون برای توصیف یهودیت به کار برده‌اند. برای نوشتن برخی از زبان‌های یهودی، از جمله بعضی از گویش‌های یهودی ایرانی، از خط محلی استفاده می‌شد. بیشتر اقلیت‌های سراسر جهان، بی‌توجه به مذهبشان، به محیط زندگانی‌شان و زبان‌های محلی آن و حفظ اصطلاحات کهن پایبندند. یگانه معیار مشترک در میان زبان‌های یهودی خصلت اجتماعی آنهاست، بدین معنی که این زبان‌ها را اختصاصاً یهودیان مناطق معینی به کار برده‌اند و هنوز نیز به کار می‌برند.

سیری بر فارسی یهودی

جامعهٔ یهودیان ایران یکی از قدیمی‌ترین جوامع یهودی است و تاریخ پاگیری آن به قرن هشتم پیش از میلاد باز می‌گردد. یهودیان ایران در سخت‌ترین شرایط و حتی به هنگامی که تحت تعقیب و تفتیش عقاید بودند، به مذهب و عقایدشان پایبند باقی ماندند، اما همین جامعه همواره آمادهٔ اخذ فرهنگ و ادبیات ایرانی و حفظ آن به منزلهٔ فرهنگ خویش بوده است.

یهودیان ایران به گویش‌هایی محلی سخن می‌گفته‌اند که بسیاری از آنان از نظر پژوهش‌های زبان‌شناسی پرارزش‌اند. از جملهٔ این گویش‌ها می‌شود به گویش‌های اصفهانی و یزدی اشاره کرد که از واژگان عبری و آرامی متأثر بوده‌اند. طومار استر به زبان عبری و طومار قمرانی به زبان آرامی که در طومارهای قمران پیدا شده است،^۴ مبین حضور عناصر ایرانی در زبان ایرانیان یهودی از دورهٔ هخامنشی است. همچنین، شواهدی مبنی بر وجود ترجمهٔ کتاب مقدس یهودیان به زبان پارسی دورهٔ ساسانی در دست است. به هر روی، قدیمی‌ترین اسناد مکتوب فارسی یهودی به قرن هشتم میلادی باز می‌گردد و عملاً همهٔ اسناد فارسی یهودی که تا به امروز شناخته شده‌اند، گونه‌هایی از زبان فارسی نو بوده‌اند.

^۴The Dead Sea Scrolls, also known as "The scrolls of Qumran."

در گذشته بیشتر گویش‌های فارسی‌یهودی خط عبری را برای نوشتن به کار برده‌اند، اما در قرون نوزدهم و بیستم، برخی از این گویش‌ها از حروف عربی، لاتین یا سیریلیک (Cyrillic) برای این منظور استفاده کرده‌اند. در برخی از اسناد از واژگان عبری کمتر استفاده شده است و گاه کاملاً از کلمات عبری تهی‌اند. درجهٔ کهنه‌گرایی نیز در آنها متفاوت است و حتی برخی از آثار فارسی‌یهودی، در مقایسه با آثاری که مسلمانان در همان دوره پدید آورده‌اند، صورتی قدیمی‌تر از زبان پارسی را به کار گرفته‌اند. سخنگویان یهودی این زبان آن را فارسی یا در متون قدیمی فارسی‌یهودی پارسی نام می‌نهادند، ولی غیریهودیان با کنایه‌ای غیرمحترمانه از واژگانی همچون ژیدی، جودی، یا جیدی برای نامیدن آن استفاده می‌کردند.

تاریخ پژوهش‌های فارسی‌یهودی

استفاده از حروف عبری برای نوشتن فارسی‌یهودی قرن‌ها مانع آگاهی عموم مردم غیریهودی از گستردگی و غنای ادبیات فارسی‌یهودی بود. نخستین متن فارسی‌یهودی که دانشوران غربی بدان توجه کردند، ترجمهٔ تورات به فارسی‌یهودی به قلم یعقوب‌بن یوسف طاووس است، زیرا اولین نمونه از آثار فارسی‌یهودی است که به طبع و نشر رسیده و چاپ شده است. این نسخه از تورات را انتشارات شونچینو (Soncino) در ۱۵۴۶م در قسطنطنیه و در میان مجموعه‌ای از ترجمه‌های تورات به زبان‌های متفاوت به چاپ رساند. اما این ترجمه زمانی در غرب شهرت یافت که توماس هاید (Thomas Hyde, 1636-1703) آن را به منظور چاپ در مجموعه‌ای از ترجمه‌های تورات به زبان‌های گوناگون به حروف عربی برگرداند و اسقف برایان والتن (Bishop Brian Walton, 1600-1661) آن را منتشر کرد. تقریباً دو قرن طول کشید تا غرب متوجه سنت قدیمی و مستمر ترجمهٔ تورات به فارسی‌یهودی بشود و فقط در اوایل قرن نوزدهم میلادی بود که متون و ژانرهای دیگری از ادبیات فارسی‌یهودی کشف شدند.

قرن هفدهم سرآغاز جمع‌آوری دستنویس‌های فارسی‌یهودی در اروپاست. جامباتیستا وِکیتی (Giambattista Vecchietti, 1552-1619)، دانشور و جهانگرد مشهور اهل فلورانس، دستنویس‌های فارسی‌یهودی نوشته‌شده از قرن چهاردهم به بعد موجود در ایران را گردآوری کرد. این دستنویس‌ها که اکنون در موزه واتیکان نگهداری می‌شوند، شامل ترجمهٔ بخش‌های مختلف کتاب مقدس و آپوکریفا هستند. بنا بر دلایلی، سعی او بر برگرداندن این متون به خط عربی چنان که باید مورد توجه قرار نگرفت. در قرن نوزدهم، دستنویس‌های فارسی‌یهودی راهشان را به اروپا باز کردند. بر اساس فهرست

کتابخانه‌ای معاصر، بیش از ۵۵ دستنویس در کتابخانه‌های مختلف اروپا در آن زمان موجود بود.

در سال‌های ۱۸۹۶-۱۸۹۷م، جهانگرد و دانشور مقیم لندن، الکان ناتان آدلر (Elkan Nathan Adler, 1861-1946)، دستنویس‌هایی از تهران، بخارا و سمرقند به دست آورد. او بیش از ۱۰۰ دستنویس از گنیزها (صندوق‌های نگهداری متون مقدس یهودی) و دستنویس‌های خصوصی و شخصی مردم را خریداری کرد. در ۱۹۲۳، مدرسه یهودی علوم دینی نیویورک (Jewish Theological Seminary) مجموعه آدلر را خرید. ویلهلم باخر (Wilhelm Bacher, 1850-1923) به صورت گسترده‌ای به پژوهش و مطالعه در این مجموعه و بقیه ادبیات فارسی یهودی پرداخت. او همچنین شاعران کلاسیک ادبیات فارسی یهودی، شاهین و عمرانی، را به دنیای غرب معرفی کرد. از نخستین مقالاتش باید به مقاله‌اش درباره روایات تاریخی بابایی بن لطف و بابایی بن فرهاد اشاره کرد که م. زلیگسان یک سال پیش‌تر منتشر و معرفی‌شان کرده بود. آثار و مطالعات تطبیقی دیگر ویلهلم باخر که به صورت گسترده‌ای بر زبان و ادبیات فارسی یهودی متمرکز بوده و کماکان مورد توجه است، فهرست‌های متعدد، نسخ اصلی متون، ملاحظات و پژوهش‌های ادبیات فارسی یهودی است.

اسناد باز یافته گنیزای قاهره و منابع دیگری که سلْمون شِخْتِر (Solomon Schechter, 1847-1915) و دیگر گردآورندگان، همچون آبراهام فیرکویچ (Abraham Firkovich, 1786-1874)، تا پایان قرن نوزدهم یافتند، باعث تغییر دیدگاه‌های دانشمندان درباره چگونگی و وسعت ادبیات فارسی یهودی شد. این آثار مجموعه ارزشمندی از منابع فارسی یهودی قدیمی را فراهم آورده‌اند که هم اکنون ۶۰۰ صفحه از متون متفاوت و زانرهای گوناگون را شامل می‌شوند و از آن جمله‌اند تفاسیر و ترجمه‌های کتاب مقدس، دستور زبان و فرهنگ‌نویسی، قوانین یهودی، اسناد قانونی، پزشکی و مطالب مربوط به سحر و جادو، شعر و دعا‌های مذهبی از یک سو و از سوی دیگر، نامه‌هایی شخصی که غالباً هنوز منتشر نشده‌اند. تهیه و چاپ این اسناد هم اکنون تحت پژوهش و نظارت شائول شاکد و همکارانش در حال انجام است.

سنت جمع‌آوری دستنویس‌ها از جانب مسافران به ایران تا قرن بیستم و پیش از انقلاب اسلامی نیز ادامه پیدا کرد. در این راه، دانشورانی همچون آمنون نتصر (Amnon Netzer, 1934-2008) برای بنیاد بن صوی (Ben Zvi Institute) در اورشلیم و عزرا سپایس‌هندلر (Ezra Spicandler, 1921-2014) برای کتابخانه کلاو در اتحادیه مدارس عبری

سین‌سیناتی او‌هایو (Hebrew Union College in Cincinnati) کوشیده‌اند.^۵

در اوایل قرن بیستم، گروهی از مهاجران به اورشلیم دست به انتشار متون دینی و غیردینی آثار فارسی‌یهودی زدند. هستهٔ مرکزی این گروه مدیریت شمعون خاخام (۱۸۴۳-۱۹۱۰م)، نویسنده و مترجم و ویراستار و ناشر معروف بخارایی، بود. در این زمینه افراد دیگری نیز از ایران و افغانستان و سمرقند همکاری می‌کردند. این آثار شامل ترجمه‌هایی از ادبیات غیریهودی مانند هزارویک شب و کمدی "اشتباهات" شکسپیر به فارسی‌یهودی بود.

مقاله‌ای از ک. د. هاسلر (K. D. Hassler) در ۱۸۲۹ موجد آغاز پژوهش‌های فارسی‌یهودی شد. در سال ۱۸۷۰، وست نخستین متن فارسی‌یهودی غیرمذهبی را معرفی کرد که شامل یک متن سه زبانه بر روی یک لوح مسی بود. تاریخ این لوح که در تراوانکور (Travancore) در جنوب هند کشف شده بود، به قرن نهم بازمی‌گردد. در کنار متن پهلوی و عربی، چهار امضای فارسی‌یهودی در مقام گواه و شاهد وجود دارد که نوشته است: "همگون/همچون من پدش گوهوم" (hmgwn mn pdyš gwhwm) به معنی "همان‌گونه/همچنین من بهش گواهم" و یا به فارسی روان: "من نیز به این گواهی می‌دهم."

در سال ۱۸۸۴، پُل دولآگارد (Paul de Lagarde, 1827-1891) متن فارسی‌یهودی کتب اشعیا، ارمیا، و پاره‌ای از حزقیال را معرفی و نخستین توصیف دربارهٔ فارسی‌یهودی را از دیدگاه زبان‌شناسی چنین عرضه کرد: "از این پس هیچ‌کس نمی‌تواند ادعا کند که واژگان فارسی نو را می‌شناسد، مگر اینکه با ترجمهٔ تمام این متون (فارسی‌یهودی) از آغاز تا به پایان کار کرده باشد." توصیفات زبان‌شناسی او بعدها به دست تئودور نولدکه (Theodor Noldeke, 1836-1930) و پُل هُرن (Paul Horn, d. 1933) تکمیل شد.

در سال ۱۸۹۹، دیوید ساموئل مارگولیوت (-David Samuel Margoliouth, 1858) متنی طولانی‌تر از اسناد غیرمذهبی فارسی‌یهودی را با نام "گزارش حقوقی اهواز"، متعلق به سال ۱۰۲۰م، معرفی کرد. این متن را دانشوران دیگری نیز از جمله هنینگ (Walter Bruno Henning, 1908-1967)، ژ. پ. آسموسن، د. ن. مک‌کنزی (David Neil MacKenzie, 1926-2001) و شائول شاکد (Shaul Shaked) پژوهیده و بررسی کرده‌اند. این کشف به همراه دیگر متون قدیمی فارسی‌یهودی اهمیت پژوهش‌های فارسی‌یهودی قدیمی را برای تاریخ زبان فارسی مشخص کرد.

Lazard, "Judeo-Persian," *Encyclopaedia Iranica* (1978), vol. 2, part 4, 310.

^۵برای مطالعهٔ سایر مجموعه‌های فارسی‌یهودی بنگرید به Amnon Netzer, *Manuscripts of the Jews of Persia in the Ben Zvi Institute* (Jerusalem, 1985); Gilbert

کارل زلمان (Karl Salemann, 1849-1916) در سال ۱۹۰۰ بزرگ‌ترین متن فارسی یهودی قدیمی را معرفی کرد که شامل بر ۲۲۶ صفحه از ترجمه و تفسیر کتاب حزقیال از مجموعه فیرکوویچ بود. این متن احتمالاً به قرن دهم یا یازدهم بازمی‌گردد. زلمان برخی از مختصات عمومی متن مانند "استفاده از فرم‌های نحوی وجه مجهول رایج در متون پارسی میانه" را توصیف و تشریح کرد. نسخه کامل پژوهش زلمان هرگز منتشر نشد. این مجموعه در دهه ۱۹۸۰ در اختیار شائول شاکد قرار گرفت و نهایتاً به دست تمار گیندین (Thamar Gindin) در سال ۲۰۰۶ به همراه ترجمه منتشر شد. پژوهش‌های جزئی دیگری بر متن تفسیر حزقیال از سوی دانشورانی چون شائول شاکد در خصوص صرف برخی از افعال بی‌قاعده و نیز مک‌کنزی، لودویگ پاول (Ludwig Paul) و تمار گیندین نیز به صورت گرفته است. اهمیت مطالعه و پژوهش در زمینه متن تفسیر حزقیال به سبب حجم زیاد آن و استفاده از دو گویش متفاوت و معاصر در متن بیشتر روشن می‌شود.

در ژانویه ۱۹۰۱، طی جستجویی باستان‌شناختی به سرپرستی سر اورل ستاین (Sir M. Aurel Stein) در ویرانه‌های رواق، نزدیک معبد بودایی دندان اویلیق در منطقه ختن ترکستان چین، نامه‌ای تجاری به زبان پارسی و خط عبری کشف شد. کاغذهایی که برای نوشتن این نامه به کار برده شده بودند کمک شایانی به تعیین تاریخ نامه (نیمه دوم قرن هشتم میلادی) کرد. این نامه قدیمی‌ترین سند فارسی یهودی و همچنین فارسی نو است که دانشوران گوناگونی از جمله مارگولیوت در ۱۹۰۳، زلمان در ۱۹۰۴-۱۹۰۵، هنینگ در ۱۹۵۸، بو اوتاس (Bo Utas) در ۱۹۶۸، شاکد در ۱۹۷۱ و ژیلبر لازار (Gilbert Lazar) در ۱۹۸۸ مطالعه شده است.

در سال ۱۹۵۲، ریچارد فرای (Richard. N. Frye, 1920-2014) و رمان گیرشمان (Roman Ghirshman, 1895-1979) به تنگه آزو در افغانستان مسافرت کردند. در این کاوش کتیبه تازه‌ای کشف شد که آنان آن را پهلوی اشکانی نامفهوم دانستند. هنینگ در ۱۹۵۷ این کتیبه را فارسی یهودی تشخیص داد و تاریخ آن را سال‌های ۷۵۲ یا ۷۵۳ م دانست. این امر مبین این نکته بود که این کتیبه هم‌دوره نامه دندان اویلیق یا کمی قدیمی‌تر از آن است. کتیبه تنگه آزو و نامه دندان اویلیق حاوی قدیمی‌ترین نمونه نوشتارهای پارسی نو هستند.^۴ در میان آنچه تا به امروز منتشر شده است، این متون حقوقی و رساله دینی قرایی، داستان دانیال، تفاسیر و آثار ژیلبر لازار را می‌توان سنگ بنای مهمی در پژوهش‌های زبان فارسی یهودی شناخت.

توضیح ویراستار: لازم به تذکر است که در سال ۲۰۰۴ کشف کرده بود. ژنگ ژان و براین آوربوخ این متن را دستنوشته فارسی یهودی دیگری در چین یافت شد که شباهت زیادی به دستنوشته سال ۱۹۰۱ دارد که ستاین منتشر کرده اند.

در دهه‌های اخیر، اسرائیل مرکز پژوهش‌های فارسی‌یهودی بوده است. فعالیت‌های دانشورانی چون شائول شاکد در زمینه فارسی‌یهودی قدیمی، آمون نصیر در زمینه تاریخ یهودیان ایران و شعر و ادبیات آنها، میخائل زند درباره آثار یهودیان و یهودیت بخارایی را می‌توان در این زمینه برشمرد. از پژوهشگران متأخر می‌توان از داوید یروشلمی (David Yerushalmi)، دن شاپیرا (Dan Shapira)، تامار گیندین در اسرائیل و ورا مورین (Vera Moreen) و ناهید پیرنظر در امریکا نام برد. جدیدترین پژوهش در زمینه دستور زبان فارسی‌یهودی قدیمی را لودویگ پاول در هامبورگ آلمان صورت داده است. در ایران و به زبان فارسی، باید از اولین و جدیدترین کارها به کتاب ناهید غنی در ۲۰۰۹ و مقالات مهرداد کهن اشاره کرد.

فارسی‌یهودی قدیمی

فارسی‌یهودی قدیمی در عین اینکه حاوی بیشترین خصوصیات پارسی نو است، هم‌زمان برخی از خصوصیات پارسی میانه را نیز دارد. فارسی‌یهودی قدیمی جزء بسیار مهمی برای درک تکامل فارسی نو است. بیشتر اسناد منتشرشده از فارسی‌یهودی قدیمی احتمالاً ریشه در استان‌های جنوب غربی فارس و خوزستان دارد. زبان بقیه شبیه تاجیکی است و با عنوان تاجیکی‌یهودی شناخته می‌شود. اسناد فارسی‌یهودی که اخیراً در افغانستان کشف شده است، حاوی گویش پارسی متفاوتی است. زبان و سبک اسناد فارسی‌یهودی قدیمی نشان‌دهنده صورت‌های قدیمی پارسی نو است و مرحله انتقالی از پارسی میانه به پارسی نو را نشان می‌دهد.

نمونه‌های زیر نشان از کهنگی و تنوع گویشی فارسی‌یهودی قدیمی در گستره دستور زبان و واژگان دارند. از لحاظ معیارهای نگارشی، تنوع وسیعی در این زمینه مشاهده می‌شود. لذا می‌توان چنین فرض کرد که برای مثال، در قرن هشتم یا در گویش‌های شرقی حروف /ق/ و /ک/ هم‌آوا بودند. حروف /ذ/، /ز/، /ض/ و /ظ/ در گویش‌های جنوبی تلفظ متفاوتی داشتند و در گویش‌های شمالی و شرقی، فقط /ض/ و /ظ/ هم‌آوا بودند. در متون متأخر (از قرن چهاردهم بدین سو) این چهار حرف دارای یک تلفظ‌اند.

خطاها و لغزش‌ها یا عدم آنها نشان می‌دهد که خوشه صامت /خو/ در یهودی تاجیکی قدیمی با فارسی نو یک صدا داشته و آن هم صدای /خ/ است. اما در اسناد قدیمی خوزستان و تفاسیر جنوب غربی کماکان، مانند پارسی میانه (x^w)، دو صامت بوده است.

حرف اضافه /پا/ (احتمالاً با تلفظ /پَ/) که در همهٔ اسناد فارسی یهودی قدیمی یافت می‌شود، نشانهٔ مرحله انتقالی از فارسی میانه /پَد/ به فارسی نو /پَه/ است. همچنین، /- د/ فارسی میانه پیش از ضمیر متصل سوم شخص /-یش/ برای ساختن /پدیش/ به معنی به او-قابل مقایسه با فارسی نو /پیش/ پدیدار می‌شود، اما در ضمائر اشاره /این/ و /آن/، /-د/ پدیدار نمی‌شود: ”پاین/ پا این“ و ”پان/ پا ان“- قابل مقایسه با فارسی نو ”بدین“ و ”بدان.“ این پدیده نشانه‌ای است مفید برای اثبات این واقعیت که فارسی یهودی قدیمی بیشتر ترکیبی از مجموعه گویش‌های قدیمی است تا اینکه ریشهٔ مستقیم فارسی نو باشد.

فارسی یهودی قدیمی متعلق به دوره یا مرحلهٔ انتقالی وجه مجهول است. در برخی متون تقریباً به صورت کامل از صورتهای مجهول پارسی میانه استفاده شده است. برای مثال، برای ساختن زمان حال مجهول، /ه/ یا /یه/ را به بُن حال فعل اضافه می‌کنیم، مانند ”گو+یه+ید“ به معنی ”گفته می‌شود.“ برای ساختن زمان گذشته ماضی، /ی- ه- (ی-ست/ را به بُن حال فعل اضافه می‌کنیم، مانند ”گو+یه+یست“ به معنی ”گفته شد.“ در دیگر موارد، وجه مجهول از ترکیب صفت مفعولی با فعل کمکی ”آمدن“ یا ”بودن“- قابل مقایسه با ”شدن“ فارسی نو- استفاده می‌شده است. مانند ”گوفتا هست“ و ”گوفتا همی ایید“- قابل مقایسه با ”گفته می‌شود“ در فارسی نو- و ”گوفتا امد“- قابل مقایسه با ”گفته شد“ در فارسی نو.

استفاده از کسرهٔ اضافه در متون فارسی یهودی قدیمی به پیروی از استفادهٔ آن در پارسی میانه است. بدین ترتیب که علاوه بر کاربردهای فارسی نو، در آغاز جمله به صورت حرف ربط هم پیدا می‌شود، جایی که فارسی نو از ”که“ استفاده می‌کند. به هر روی، اسناد فارسی یهودی قدیمی انتقال تدریجی به استفاده از ”کی/کو“-مقابل ”که“ فارسی نو- را به جای کسرهٔ اضافه در عبارات ربطی نشان می‌دهند.

فارسی یهودی قدیمی همچنین حاوی طیف گسترده‌ای در زمینهٔ واژگان است. عبری آرامی، عربی و زبان‌های ایرانی سازندهٔ بخش بزرگی از اجزای این زبان‌اند. درصد نسبی استفاده از هر یک از این واژگان بسته به سبک، نوع متن (ژانر) یا نویسنده متغیر است.

کتیبه‌های تنگهٔ آزو به سبب محدودیت و کمی واژگان حاوی مطالب آگاهی‌دهندهٔ کمی است. به هر روی، این کتیبه‌ها نمودار کهنه‌گرایی‌اند، از جمله استفادهٔ واژهٔ ”نیوی“ (nywy) برای واژهٔ ”کتیبه“ که در پارسی میانه ”نیبیگ“ (nibēg) و در پارسی نو ”نُبی“ (nubī) به مفهوم کتاب مقدس است.

در نامه دندان اویلیق واژگان عبری استفاده شده عبارت‌اند از "ربی" (به معنی ربای، خاخام) و شاید هم "حمور" به معنی خر. حتی برای مفهوم خدا در این متن از واژه فارسی "یزید" (ایزد) یا "یزید خوده" به معنی "ایزد خدا" استفاده شده است. یگانه واژه عربی در این نامه واژه "رقیبین" به معنی "رکاب" است. عناصر عربی در کل متون فارسی یهودی قدیمی به ندرت بیشتر از ۱۵ درصد واژگان را تشکیل می‌دهند. به هر رو، وجود این واژگان میزان بالای امتزاج را نشان می‌دهد. واژگان عربی عموماً پسوندهای پارسی گرفته و واژگان جدیدی را می‌سازند. مانند "موصیبتگین" (مصیبت عربی + گین فارسی) به معنی "مصیبت‌دیده" و گاهی نیز واژگان فارسی پسوند عربی می‌گیرند مانند "دوریت" (دور فارسی + یت عربی) به معنی "مسافت"، اما این پدیده در واژگان عبری تقریباً دیده نشده است.

در برخی از نامه‌های شخصی از گنیزای قاهره، که به فارسی یهودی قدیمی نوشته شده‌اند، متن پارسی به خط عبری نوشته شده است. نکته جالب در این نامه‌ها نوشتن عبارات عربی میان متن به خط عربی است. به نظر می‌رسد در ذهن نویسندگان نامه‌ها، پارسی، برخلاف عربی، زبانی یهودی در نظر گرفته می‌شده است.

ترجمه فارسی یهودی کتاب مقدس در همه اعصار، مانند ترجمه‌های کتاب مقدس در دیگر زبان‌های یهودی، با توجه به متن عبری به صورت واژه به واژه و بدون نگرش به نحو فارسی صورت گرفته است. بنابراین، نمی‌شود از این ترجمه‌ها تاریخ نحو پارسی را بررسی کرد. برای نمونه، مترجمان از ضمائر اشاره "آن" و "این" به منزله حرف تعریف استفاده می‌کردند که اصولاً در زبان پارسی وجود ندارد. همچنین، حرف اضافه عبری را که معادل پس‌نهیشت "را"ی پارسی است، با پیش‌نهیشت "ازمر" (از+مر فارسی نو) ترجمه می‌کردند. نتیجه اینکه تأثیر زبان عبری در ترجمه کتاب مقدس بیش از اینکه مرتبط با ورود وام‌واژه‌ها باشد، در وام‌های نحوی است.

از سوی دیگر، مترجم در ترجمه از زبان عبری تا حد امکان از به کار بردن واژگان عبری خودداری کرده است و لذا، ترجمه‌های کتاب مقدس بیشتر از واژگان پارسی بهره برده است؛ واژگانی که در غیر این صورت هیچ اثری از آنها باقی نمی‌ماند و ناپدید می‌شدند؛ از آن جمله پارسی میانه wistāxw (به معنای "امن، معتمد")، که در فارسی نو تبدیل به "گستاخ" شده است، در لهجه‌های متفاوت فارسی یهودی قدیمی به صورت "اوستاه" و "بسته" آمده و wistāxwīh ("امنیت، اعتماد")، به معنی "گستاخی" در فارسی نو، در متون فارسی یهودی قدیمی به صورت "وستاهی" و "اوستاهی" و "بسته‌واری" پیدا می‌شود. به این ترتیب،

فارسی میانه wistāxw (به معنای "امن، معتمد") ← فارسی نو "گستاخ" =
فارسی یهودی قدیمی "اوستاه" (گوش شمالی)، "بسته" (گوش جنوبی).

فارسی میانه wistāxwīh ("امنیت، اعتماد") ← فارسی نو "گستاخی" = فارسی یهودی
قدیمی "وستاهی"، "اوستاهی"، "بستهواری".

فارسی یهودی کلاسیک و فارسی یهودی نو

فارسی یهودی قدیمی هم‌زمان با فتوحات مغولان در اوایل قرن سیزدهم رو به زوال و فراموشی گذاشت، تا اینکه در قرن نوزدهم بر اثر تحقیقات زبان‌شناسی دوباره به عرصه پژوهش بازگشت. دوران اشغال ایران به دست مغولان موجب تغییرات وسیع فرهنگی و زبانی در ایران شد. فارسی یهودی از قرن چهاردهم به بعد، که شاید بتوان آن را "فارسی یهودی کلاسیک" نامید، با زبان غیر یهودی‌ها تقریباً فرقی ندارد، جز حضور عناصر عبری/آرامی و مقدار کمتری واژگان عربی و عدم رعایت قواعد املائی. گاه حتی این تفاوت‌های کوچک نیز دیده نمی‌شود.

آثار فارسی یهودی کلاسیک بیشتر در قالب شعر و داستان‌های حماسی بر اساس کتاب مقدس و متون تاریخی باقی می‌ماند. مهم‌ترین ویژگی فارسی یهودی کلاسیک از نظر زبان‌شناسی املائی کلمات است که مبین تلفظ لغات شبیه به فارسی عامیانه امروز است. برای نمونه، تلفظ "ون" به جای "ان"، مانند "عبریون" به جای "عبریان"، هم‌آوایی /اذ، /زه، /اض/ و/ظ/ با هم و /اه، /اع/ باهم و /اح/ و /اه/ با هم و مانند اینها.

در دورانی که یهودیان ایران تحت فشارهای مذهبی بودند، یهودیان بخارا آزادی مذهبی و فرهنگی بیشتری داشتند. گویش آنها را اگر چه فارسی نام نهاده‌اند، در واقع تاجیکی یهودی است و نسبت این زبان با تاجیکی همانند نسبت فارسی یهودی به فارسی رسمی است. باید در نظر داشت که زبان‌شناسان تاجیکی را شاخه‌ای از زبان فارسی می‌دانند. جامعه یهودی افغانستان امروز در واقع متشکل است از یهودیان فراری از ایران، به خصوص یهودیان مشهد، و زبان ایشان ادامه همان فارسی یهودی ایران است.

در قرن بیستم میلادی، وضعیت اجتماعی یهودیان ایران تغییر کرد. اعضای ثروتمند جامعه از محلات یهودی‌نشین بیرون آمده، به جای گویش‌های محلی و فارسی یهودی سخن گفتن به زبان فارسی رسمی را آغاز کردند. اما در بعضی موارد لحن صدا، تلفظ و همچنین استعمال واژگان خاص زبان یهودیان محلی باعث تشخیص این یهودیان از

غیریهودیان می‌شد. برای نمونه می‌توان از استفادهٔ واژهٔ عبری ”براخا“ (به معنی برکت) برای شمارش افراد و واژهٔ ”مِلی“ به جای ”گربه“ یا تلفظ آواهای /θ/ (ث) و /ð/ (ذ) به جای /s/ (س) و /z/ (ز) نام برد با این همه، جوانان یهودی ایرانی نسل دوم به فارسی رسمی حرف می‌زنند. برعکس آنان که فقط تحصیلات یهودی دارند، زبان یهودیانی که تحصیلات عمومی ایرانی کرده‌اند، از زبان مسلمانان تقریباً غیر قابل تشخیص است. حتی در خطابه‌های کنیساها هم استفاده از اصطلاحات ”یهودیت“ کمتر استفاده می‌شود، زیرا مخاطبان جوان بیشتری تحصیلات مدرسه‌ای و دانشگاهی غیریهودی کرده‌اند. یهودیان ایران تا حدی زبان فارسی را جذب کرده‌اند که بعضی از دعا‌های سنتی به جای عبری به فارسی خوانده می‌شوند. در خصوص انتشارات، کاهش نسبی فشار مذهبی همراه با ظهور صیونیسیم در ابتدا باعث چاپ مجله‌های فارسی‌یهودی شد و بعدتر برخی از آنان به خط عربی منتشر شدند.

بخش عبری در فارسی‌یهودی کنونی کمتر از زبان‌های یهودی دیگر است و بیشتر به زندگی مذهبی اشاره دارد. برای مثال می‌توان از واژگان ”تورات“ (بجای تورا، اولین بخش کتاب مقدس)، ”تفیلیم“ (ابزار نماز)، ”صیصیت“ (شال مذهبی) و ”گوییم“ (به معنی غیریهودی که به عبری جمع و به فارسی‌یهودی مفرد است) نام برد. البته در خطابه‌های مذهبی فارسی‌یهودی، که بیشتر منقول از ادبیات مقدس است، واژگان عبری و آرامی بیشتری به کار می‌رود.

بعضی واژگان عبری به فارسی‌یهودی تغییر معنی می‌دهند. برای نمونه، واژهٔ ”براخا“ که در بالا ذکر شد، در فارسی به معنی شمارهٔ افراد نیز هست و واژهٔ ”اخال“ (hēxāl)، که به عبری معنی قسمتی از هیکل سلیمان دارد، به فارسی‌یهودی جایگاه کتاب مقدس در کنیسا است. گاهی نیز واژگان عبری فارسی‌یهودی با ساختار دستوری زبان فارسی به کار می‌روند. در بیشتر مواقع، صفت در حالت وصفی یا مسندالیه بدون در نظر گرفتن شماره و جنس به صورت مفرد مذکر استفاده می‌شود. برای مثال، در جملهٔ ”ایسرائلان بَعَلَ تشوا شدند“ (yisrāelān ba'al tešūvā šodand) که در فارسی نو به معنی ”یهودیان توبه‌کار شدند“ است، صفت ”توبه‌کار“ در عبری به صورت جمع گفته می‌شود، ولی در فارسی مفرد است. هرچند فعل‌های عبری در فارسی‌یهودی صرف نشده‌اند، از واژگان عبری در ساخت فعل‌های مرکب استفاده می‌شود. برای نمونه، از واژهٔ ”عاوون“، فعل مرکب ”عاوون کردن“ به معنی ”گناه کردن“ و از واژهٔ ”طیبلا“، فعل مرکب ”طیبلا کردن“ به معنی ”غسل مذهبی کردن“ ساخته شده است.

در قرن بیستم و بیست‌ویکم بعضی نوشته‌های یهودیان برای یهودیان دیگر به خط عربی و تقریباً بدون هیچ جزء عبری نوشته می‌شود. یهودیان بخارا از ۱۹۲۴ تا ۱۹۴۰ زبان خودشان را با خط لاتین نوشته‌اند. یهودیان ساکن کوهستان‌های داغستان و آذربایجان شمالی تا سال ۱۹۲۸ برای نوشتن زبان تاتی یهودی (Judaeo-Tat)، از خط عبری استفاده می‌کردند، هر چند که تاتی یهودی نیز خود شاخه‌ای از زبان فارسی است. پس از آن، از خط لاتین و از سال ۱۹۳۸ به بعد بیشتر از خط سیریلیک (Cyrillic) استفاده کرده‌اند.

اسرایلی‌های ایرانی‌الاصل، مخصوصاً جوانان آنان، به زبانی صحبت می‌کنند که می‌توان آن را "فارسی اسرایلی" نامید. این زبان عمدتاً آمیزه‌ای از واژگان عبری مدرن با استفاده از قواعد نحو و حروف و فعل‌های کمکی فارسی است. از این رو می‌توان این زبان را در ردیف "زبان‌های ساندویچی" شمرد، زیرا زبان عبری هم تأثیری زیرینی (بخش عبری زبان فارسی یهودی اصلی) و هم تأثیری زیرینی (بخش عبری مدرن که زبان اکثریت است) بر آن داشته است.